

دانلود جزوه حقوق مدنی 6 با لینک مستقیم

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

نمونه متن جزوه:

در مورد نامگذاری این دسته از اموال اختلاف نظر وجود دارد چون برخی از اساتید حقوق این دسته از اموال منقول را با الهام از ماده ی 20 ق.م. در حکم منقول یا منقول حکمی نامیده اند . ماده ی 20 ق.م. ک کلیه ی دیون از قبیل قرض ، ثمن،مبیع و مال الاجاره ی عین مستاجر از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو این که مبیع یا عین مستاجر از اموال غیر منقول باشند . " حال دلیل ما مبنی بر این که این دسته را اموال منقول تبعی نام نهاده ایم ای ناست که در تقسیم اموال غیر منقول بیان کردیم که به چهار دسته تقسیم می شوند : 1- غیر منقول ذاتی در مقابل منقول ذاتی 2- غیر منقول به واسطه ی

عمل انسان 3- غیر منقول حکمی 4- غیر منقول تبعی حال ضابطه و ملاک مال منقول و غی رمنقول ذاتی " قابلیت تحرك " است و ملاک در غیر منقول دسته ی سوم این بود که اموالی ذات منقول هستند ولی به واسطه ی ارتباط با اموال غیر منقول در حکم غیر منقول درآمده اند . حال اگر اموال منقول را نیز به اموال منقول حکمی بنامیم ممکن است این توهم پیش آید که اموال غیر منقول بوده اند که در حکم منقول قرار گرفته اند در صورتی که این چنین نیست . لذا بهتر است که ملاک و ضابطه دسته ی چهارم اموال غیر منقول را که این بود که : اگر موضوع حق ی کمال غیر منقول باشد حق نیز به تبع موضوعش یک مال غیر منقول خواهد بود " نیز در مور داموال منقول غیر مادی به کار بریم و بگوییم که " اگر موضوع حق یک مال منقول باشد حق نی زبه تبع آن منقول خواهد بود " و لذا این حقوق را اموال منقول تبعی می گوییم و از آن جا که جنبه ی ذهنی دارند ان ها را غیر مادی می گوییم . توضیح ماده ی 20: اموال منقول مادی یا تبعی منحصر به دیون نیستند چون جنبه ی حصر ی ندارد و با توجه به ماده ی 18 ق.م. دارای مصادیق دیگری نیز هستند . با در نظر گرفتن ماد هی 18 و 20 و همچنین ماده 11 ق.م. که اموال را خارج از دو قسم منقول و غیر منقول نمی داند در نتیجه مالی که نتواند در دسته ی غیر منقول جای گیرد ضرورتا وارد دسته ی منقول می شود

حقوق مالی:

حق عینی (منقول): اگر موضوع حق عینی منقول باشد - حق عینی منقول تبعی و اگر غیر منقول: اگر موضوع حق عینی غیر منقول باشد - حق عینی غیر تبعی) حق دینبجق معنوی.

1- حق عینی:

مالکیت (منقول: ماشین و کشتی: حق عینی مالکانه منقول؛ غیر منقول: خانه: حق عینی مالکانه غیر منقول).

انتفاع (منقول: ماشین: حق عینی انتفاعی منقول؛ غیر منقول: خانه: حق عینی انتفاعی غیر منقول).

ارتفاق (مثل حق شرب و مجری که همیشه غیر منقول است).

2) حق دینی منقول : ماده ی 20 می گو ی د : کلیه ی دیون از قبیل قرض ، ثمن ، مبیع و مال 1- الاجاره عین مستاجر از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است ولو این که مبیع یا عی نمستاجر از اموال غیر منقوله باشند . " با این که ماده در صدر خود کلیه ی دیون را منقول تلقی می کند ولی به نظر می رسد مقصود مقنن از دیون تنها مطالبات مال باشد . چون علاوه بر آن ک هممکن است تعهد ناظر بر انجام یا عدم انجام کار که منقول است باشند ممکن است به طور استثنایی موضوع تعهد انتقال یک مال غیر منقول باشد . لذا حق دینی علی الاصول منقول است .

در مورد ماده ی 20 یادآوری سه نکته لازم است : 1- ارتباط غیر مستقیم برخی مطالبات پولی مثل ثمن و مال الاجاره با اموال غیر منقول یعنی مبیع و عین مستاجر به هنگامی که غیر منقول هستند این گونه طلب ها را غیر منقول نمی گرداند . 2- در ماده ی 20 ق.م. ثمن منقول تلقی شده منتها باید توجه کنیم که این گفته ی مقنن همیشه در هر حال صادق نیست چون ثمن همیشه مال منقول که نمونه ی بارز ان پول است ، نیست . 3- ماده ی 20 حقوق دینی را فقط از یک لحاظ منقول تلقی کرده و آن این است که " فقط از جهت صلاحیت محاکم منقول دانسته است ولی باید بدانیم که حقوق دینی از جهات دیگر هم منقول اند . به عنوان مثال شوهری که خانه ی

غير منقول خود را می فروشد و ثمن ان موجل است و بعدا بمیرد این ثمن جزو اموال منقول و جزو ماترك است و از آن جا كه زن از کلیه ي اموال منقول شوهر ارث می برد و این ثمنموجل هم جزو اموال منقول است پس ارث می برد

چون حق دینی، حق بر شخص است و بی واسطه به مال مربوط نمیشود پس صرفنظر از موضوعش منقول است (ماده 20 قانون مدنی) و نباید آن را در زمره حقوق غیر منقول به حساب آورد، اما آن را در تگتک موارد حقوق دینی بررسی میکنیم.